

## محیط بازدارنده کسب و کار؛ دغدغه بزرگ اقتصاد استان کرمان به انتظار فرصت های سال ۹۶



مجید نعمت الهی

۱ سالی پرماجرا به پایان آمد که این اواخر برای به سر رسیدنش، لحظه ها را شمردیم آنجا که به اندازه چندین و چند سال، اندوه و درد نصیبمان شد و رهاننده از آوار یک مصیبت، آوار دیگری بر سرمان فرود آمد. شمار وقایع داخلی که در این سال، چشم ایرانیان و جهانیان را به خود خیره کرد بسیار بیش از سالهای گذشته بود و تلخکامی پشت تلخکامی بود که رقم خورد. در این واپسین روزها و ساعات سال «نود و پنج»، از کدام یک از این همه رخداد می توان گفت که داغ دلان تازه نشود و زخم های التیام نیافته مان، سر باز نکند؛ از پنج کولبران و گور خواب ها یا از آوار پلاسکو بر مدیریت سیاست زده مان. از سقوط اتوبوس سربازان وطن در دره نی ریز یا دهها اتفاق ریز و درشت دیگر. در گذشت چندین نفر از چهره های شاخص عرصه فرهنگ و هنر همچون عباس کیارستمی و... راهم به این فهرست، بیفزایید. اما این رحلت باور ناپذیر آیت اله هاشمی بود که پرونده سختی های این سال را کامل کرد و ایران را سراسر در بهت و ماتم فرو برد. پرسش اینجاست که اگر در برابر تقدیر و مشیت الهی در مورد رحلت آیت اله هاشمی و موارد مشابه، چاره ای جز تسلیم و رضا نداشتیم، آیا می توانیم پنج و مصائب دیگری که در همین سال، وجدان یک ملت را آشفته کرد هم به پای قضا و قدر بنویسیم و به سادگی پرونده یکایک آنها را ببندیم که هر یک از این حوادث را می توان نمود و نشانه ای از آنچه در پیکره اجتماعی ایران می گذرد، قلمداد کرد و از آینده بیمناک بود. درست است که بنا به تجربه و شواهد این سالها، بسیار زودتر از حد تصور به هر بلا و ابتلائی، عادت می کنیم و چندی بعد با وقوع رخدادی تازه، وقایع پیشین را به فراموشی می سپاریم اما سادگی اندیشی است که فکر کنیم با بسته شدن پرونده سال ۹۵، پرونده وقایعی از این دست که بخش عمده آنها محصول بی تدبیری است، بسته خواهد شد.

بر این باورم که با بحرانی عمیق تر از همه آنچه که کاممان را در سال سپری شده، تلخ کرد، روبرویم و حوادثی از این دست، ابعاد تازه ای از بحران «کارآمدی» را هراز گاه در برابر دیدگان ما می گستراند و این ماییم که با وقوع هر حادثه، به عادت مالوف، دسته جمعی به دنبال کسی می گردیم که بار تقصیر کامل ماجرا را به دوش او بیندازیم و همه حساب های شخصی و جناحی مان را تسویه کنیم و صحنه ای از تقابل و تعارض را بر فراز حادثه ای که رخ داده، بسازیم و برآوریم. نگرانم از اینکه همچنان در گذر از اینهمه تجارب متعدد، به جای پرسش از علت ها، چشم به معلول داریم و نگران تر از این همه تفرق به جای اندکی تفاهم، گویی کسی باید به صورت مداوم یادآوری مان کند که مسئولیت اجتماعی همگانی ما در پرداختن به علت هاست نه اینهمه صف آرایی سیاسی و رسانه ای در زمان رخ نمای یک معلول.

۲ سال ۹۵ تحت الشعاع رحلت چهره ای ممتاز و تکرار نشدنی در تاریخ معاصر ایران بود. رحلت آیت اله هاشمی که حضورش در جای جای تاریخ سی و چندساله جمهوری اسلامی و پیش از آن در دوره مبارزه، به چشم می خورد، ایران را در برابر موقعیت و شرایطی جدید قرار داد چه اینکه حضور این چهره ماندگار انقلاب اسلامی را همگان به عنوان وزنه ای برای تعادل بخشی به کنش های سیاسی در داخل و روابط خارجی جمهوری اسلامی قلمداد می کردند و برای مردم هم نقطه امید و اتکا در مسائل و بحران های گاه به گاه بودند. پر کردن فاصله بین نیروهای داخلی و جریان های سیاسی در تمام این سالها و آفرینش مفاهمه در موقعیت های خاص و چالش برانگیز، نقش و ماموریتی بود که تنها از چهره ای معتدل، عقلانی و دوراندیش مثل آیت اله هاشمی بر می آمد. این شخصیت فراملی در صحنه سیاست خارجی هم برگ برنده جمهوری اسلامی بود و همواره از توان و اعتبار خویش در این راه بهره برد. معتقدم به همان اندازه که نقش موثر آیت اله هاشمی در زمان حضورش در عرصه سیاست و مدیریت کشور، مورد تبیین و تحلیل، قرار می گرفت، «نبودن او» هم پرسشی است بزرگ در برابر جامعه و سیاست ایرانی که تحلیل صاحب نظران برای دستیابی به تصویری روشن از «ایران بدون هاشمی» را می طلبد. بی تردید، حیات سیاسی و فکری آیت اله هاشمی بر پایه راه و روزنی که به اندیشه ایرانی جماعت، گشوده و مطالباتی که بنیان نهاده، تداوم خواهد داشت و از این منظر، مژگی که بر شناسنامه آیت اله در دی ماه ۹۵ خورد، پرونده راه و رسم و منش و مرام سیاسی، اخلاقی و اجتماعی او را نخواهد بست؛ نکته ای که در همین سالنامه نیز دکتر صادق زیبا کلام بر آن تاکید کرده اند و از خدمات ماندگار آیت اله هاشمی سخن گفته اند.

۳ در سالی که بخت و اقبال پوپولیست ها در گوشه و کنار جهان بلند بود و به تعبیر اکونومیست «سال پر بار پوپولیست ها» خوانده شد، جامعه جهانی پای به «عصر ترامپ» گذاشت. ایران اما بی توجه به حضور رئیس جمهوری جدید آمریکا که در نخستین حضور در کاخ سفید، میراث اوامار را حلجی کرد و در روزهای بعد با تصمیم های حیرت برانگیزش، اجماعی جهانی را علیه خود شکل داد، در سایه فرصتی که با امضای برجام به دست آمده است به بازسازی اقتصاد خود اقدام کرد. برجام که بنا به گزارش صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، نقطه پایان عقب گرد اقتصاد ایران و بستر رشد آتی آن بود، فرصت دوباره ای را فراهم ساخت تا اقتصاد ایران از سقوط حتمی و از مبتلا شدن به سرنوشت اقتصاد کشورهایی همچون ونزوئلا، نجات یابد. دستاوردهای آشکار این توافق جهانی نیز در سال ۹۵ از اقتصاد ایران، ظهور و بروز بیشتری یافت؛ از رشد صادرات و درآمد های نفتی ایران تا آزاد سازی دارایی های مسدود شده و مهار تورم و بهبود روابط و محیط خارجی. پیش بینی این است که در سال ۹۶ نیز این روند ادامه یابد و چشم انداز روشنتری در برابر اقتصاد ایران در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری قرار گیرد.

همه مشکلات اقتصاد ایران اما به عوارض تحریم خلاصه نمی شود و با کاهش دغدغه های دولت، پرداختن جدی به مسائلی مهم همچون اصلاحات ساختاری در اقتصاد ملی، ایجاد شفافیت در عملکرد اقتصادی همه بخش ها و اهتمام جدی به بهبود محیط کسب و کار، مورد انتظار است. در کرمان هم، سال ۹۵ تلاش مدیران و تصمیم سازان بخش های مختلف، سالی با دستاوردهای در خور توجه بود. وجه بارز این تلاش ها در حرکت به سمت مشارکت جویی از مردم و به تعبیری «مردمی کردن اقتصاد» به ویژه در نقاط کم برخوردار و شهرستان های محروم استان بود که در قالب مناطق ۸ گانه اقتصادی، بنیان تجمیع ظرفیت های مردمی گذاشته و با شکل دهی انجمن های محلی و روستایی و صندوق های خرد، راهی نوبه توسعه اقتصادی این مناطق گشوده شد. در همین سال، طرح های بزرگ عمران شهری که تا همین چند سال پیش اجرای آنها غیر ممکن می نمود، پیگیری شد و سال ۹۶ می تواند با به بار نشستن آنها، نقطه عطفی در تاریخ تحولات شهری کرمان باشد. با اینهمه اما مشکلات و مسائلی جدی نیز به قوت خود باقی است. تخصیص دستوری منابع مالی به بنگاه های اقتصادی استان که اتفاقاً نقدینگی، تنها یکی از مشکلات عدیده آنهاست و بیش از هر کمکی نیازمند هدایت آنها برای رقابتی و بهره ور شدن و رهایی از مشکلات مدیریتی هستند در سال ۹۵ به یک دغدغه مهم تبدیل شد. در همین راستا، همچنان بهبود محیط کسب و کار استان که مانع یا گرفتار بخش خصوصی و عامل اصلی گریز سرمایه از کرمان است به عنوان یک مطالبه جدی، مطرح است. در زمینه بحران آب استان هم اگر چه با تدابیر استاندار و مدیرانش، قدری از دغدغه جدی در این زمینه کاسته شده اما نگرانی اصلی همچنان به قوت خود باقی است.

و رویداد عجیب سال ۹۵ اینکه در یک محیط بازدارنده کسب و کار که صدای همه از رکود و بی رونقی در آمده است به یکباره رشد ۳۰ درصدی سهم مالیاتی استان را در بودجه ۹۶ شاهدیم که مطالبه جمعی عدالت مالیاتی در کرمان را رقم زد و در نهایت، به عقب نشینی تصمیم سازان منجر شد. با اینهمه به فرصت هایی که سال ۹۶ پیش روی اقتصاد کرمان قرار خواهد داد، امیدوار خواهیم بود.

۴ «اقتصاد کرمان» نیز به عنوان اولین رسانه اقتصادی استان که هر سال بالنده تر می شود، در سالی که سپری شد، تمام توان خود را به کار گرفت تا با حمایت از بخش خصوصی در استان، آگاهی بخشی عمومی از حوزه اقتصاد و نقد عملکردها و تصمیم های اقتصادی، تصویر روشنتری از اقتصاد استان در برابر چشم مردم، نمایندگان دولت و کارشناسان و صاحب نظران قرار دهد و بر تداوم این راه برای باری رساندن به فرآیند توسعه استان، اهتمام دارد. در پایان یک سال تلاش همکاران در «اقتصاد کرمان»، قدر دان همراهی همه این عزیزان هستیم و به آنها خدایقوت و خسته نباشید می گویم که برای تولید و عرضه محصولی رسانه ای در تناسب با انتظارات مخاطبان اندیشمند هم استانی و موثر بر محیط اقتصادی استان کرمان، تلاش کردند و دشواری های تولید سالنامه جامع و تحلیلی «اقتصاد کرمان» را هم پذیرفتند.

برای همه هم استانی ها و هم وطنان عزیزم، سالی پُر بار و پُر امید از خداوند خواهانم.

\* صاحب امتیاز و مدیر مسئول «اقتصاد کرمان»